

**Comparative Studies  
in Jurisprudence,  
Law, and Politics**

## **An Analytical Study of Imam Reza's (Peace Be Upon Him) Evangelical Method in Economic Matters**

1. Mahboobeh Alizadeh: PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran
2. Seyed Ahmad Mirian\*: Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. Email: Ahmad.miriyani@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Ebrahim Fallah: Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

### **ABSTRACT**

One of the significant and influential discussions in the field of human education is the application of proper pedagogical methods. Among these, the evangelical method (Tabshir) is noteworthy. The evangelical method has been utilized in the educational practices of Imam Reza (Peace Be Upon Him), who, as a divinely guided and complete mentor, adhered to all the necessary conditions and etiquettes of this approach. Imam Reza employed this effective pedagogical method in various aspects of life, especially in economic matters. Given the contemporary challenges of economic crises and the importance of leveraging the rich teachings of Imam Reza's tradition as a viable solution, this study examines the subject under the title "An Analytical Study of Imam Reza's (Peace Be Upon Him) Evangelical Method in Economic Matters." Using a descriptive-analytical method, this research explores how Imam Reza (Peace Be Upon Him), as a model of guidance and a distinguished educational exemplar, employed the evangelical method in economic practices. The study ultimately concludes that Imam Reza used the evangelical approach in economic domains such as almsgiving, khums, zakat, frugality, benevolent loans, and earning sustenance. Through this method and by providing essential glad tidings to the audience, he strived to enhance economic conditions.

**Keywords:** *Imam Reza (Peace Be Upon Him), economic matters, evangelical method, approach.*

How to cite: Alizadeh, M., Mirian, S. A., & Fallah, E. (2024). An Analytical Study of Imam Reza's (Peace Be Upon Him) Evangelical Method in Economic Matters. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(4), 18-30.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 04 September 2024  
Revise Date: 14 October 2024  
Accept Date: 29 October 2024  
Publish Date: 21 December 2024



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

## بررسی روش تبشیری امام رضا (علیه السلام) در امور اقتصادی

۱. محبوبه علیزاده: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
۲. سیداحمد میریان: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. پست الکترونیک: Ahmad.miriyani@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. ابراهیم فلاح: دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

### چکیده

یکی از مباحث مهم و مؤثر در عرصه تربیت انسان‌ها، استفاده از روش‌های تربیتی صحیح می‌باشد که از جمله این روش‌ها، می‌توان روش تربیتی «تبشیر» را نام برد. تبشیر در سیره‌ی تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) مورد استفاده قرار گرفته و آن حضرت به عنوان یک مربی کامل الهی در امر تربیت، تمام شرایط و آداب آن را رعایت نموده است. ایشان در عرصه‌های مختلف زندگی بویژه امور اقتصادی، از این روش کارساز تربیتی مدد جستجو کردند. با توجه به اینکه جامعه امروز در مواجهه با چالش‌های اقتصادی قرار گرفته و از طرفی یکی از مهم‌ترین منابع موجودی که در حل این بحران، می‌توان از آن بهره برد، سیره امام رضا (علیه‌السلام) می‌باشد، پژوهش حاضر تلاش نموده تحت عنوان «بررسی روش تبشیری امام رضا (علیه‌السلام) در امور اقتصادی» با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، این موضوع را مورد مذاقه قرار دهد. پژوهش حاضر به این مسأله می‌پردازد که با توجه به اینکه ائمه هدی (علیهم‌السلام) اسوه و الگو و به طور خاصه امام رضا (علیه‌السلام) به عنوان الگوی تربیتی هستند، آن حضرت از روش تربیتی تبشیر در چه امور اقتصادی استفاده کرده‌اند؟ تحقیق حاضر در نهایت به این نتیجه منتهی می‌گردد که آن حضرت در امور اقتصادی نظیر: انفاق، خمس، زکات، قناعت، قرض‌الحسنه و کسب روزی از روش تربیتی تبشیر استفاده نمودند و با اتکا به این روش و دادن بشارت لازم به مخاطب، به بهسازی شرایط اقتصادی اهتمام ورزیده‌اند.

**واژگان کلیدی:** امام رضا (علیه‌السلام)، امور اقتصادی، تبشیر، روش.

نحوه استناددهی: علیزاده، محبوبه، میریان، سیداحمد، و فلاح، ابراهیم. (۱۴۰۳). بررسی روش تبشیری امام رضا (علیه‌السلام) در امور اقتصادی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۴(۴)، ۳۰-۱۸.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۳ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۸ آبان ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۳۰ آذر ۱۴۰۳



از روش‌های مؤثر در تربیت که در تعالیم اسلام بدان اشاره شده، «روش تبشیر» است. مقصود از تبشیر؛ نوید دادن به رحمت و فضل الهی است. در احادیث ائمه (علیهم‌السلام) اشارات و تصریحات بسیاری پیرامون این روش وجود دارد. در این میان علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) از موقعیت ممتاز و منحصر به فردی برخوردار بوده و بحث تبشیر یکی از محورهای تربیتی گنجانده شده در سیره ایشان می‌باشد که با هدف تربیت، رشد و تعالی تک تک افراد بشری اعمال شده است. تبشیر به عنوان رکن و روش در سیره گفتاری و عملی آن حضرت، گام مؤثری در جهت هدایت انسان‌ها بوده و قرار گرفتن آن، در سرلوحه تعالیم ایشان، حکایت از تأثیر مهم این روش در سعادت و کمال انسان‌ها دارد.

لازم به ذکر است هر چند تبشیر، بشارت به نعمت‌ها خبر می‌دهد، اما مأموریت آن، واقعیتی فراتر از بشارت به نعم است. در حقیقت در این روش امام (علیه‌السلام) در نظر دارد تا راهگشای بشر به سوی سعادت و هدایت باشد. امام رضا (علیه‌السلام) با تأسی از مضامین قرآن و سیره نیاکان خویش، تلاش نموده تا بنا به شرایط و مناسبت‌های مختلف، از تبشیر در مقابل مخاطبان خود بهره ببرد. از بررسی کلام و سیره ایشان به دست می‌آید که کاربرد عنصر تبشیر، عموماً برای کسانی است که به آیات الهی ایمان آورده و در زندگی دنیا با سلاح صبر و تقوا با سختی‌های راه هدایت مبارزه نموده‌اند. همچنین سیره ایشان بیانگر آن است که بخشی از بشارت‌های امام، در حوزه امور اقتصادی بوده و آن حضرت تلاش نموده تا با این روش، امور اقتصادی جامعه را بهسازی نموده و چالش‌های اقتصادی را برطرف و جامعه را به وضعیت متعادل اقتصادی برساند. از آن جا که آن حضرت نمونه بارز تربیت الهی بود و تمامی حالات، رفتار و سکنات وجود گرانبه‌اش به شیفتگان، درس زندگی می‌آموخت، بررسی سیره رفتاری و گفتاری آن حضرت با توجه به چالش‌های اقتصادی عصر حاضر، برای هر محقق حائز اهمیت است و اگر سیره و سبک زندگی مورد بیان ایشان در جامعه کنونی نظام اسلامی مورد توجه قرار داده شود، پاسخ‌گوی معضلات و مشکلات عدیده حاکم بر زندگی ما خواهد بود. با توجه به این حقیقت، پژوهش حاضر در نظر دارد به این پرسش پاسخ دهد: «امام رضا (علیه‌السلام) در چه امور اقتصادی از روش تربیتی تبشیر استفاده نموده است؟»

### ادبیات پژوهش

امروزه برای پژوهش هر موضوع یا مسأله‌ای، مفهوم‌شناسی از آن موضوع یا مسأله پیش از ورود به بحث، از اهمیت خاصی برخوردار است. در این پژوهش نیز سعی می‌شود که واژگان پر کاربرد مورد بررسی قرار گیرد.

روش: این واژه در لغت به معنای طرز، قاعده، راه، شیوه، اسلوب، منوال، سبک، گونه، سنت و رسم و آیین آمده است (Dehkhoda, 1992). معادل این کلمه در زبان عربی، منهج و منهاج (Raghib Isfahani, 2007) می‌باشد. صاحب مقائیس می‌گوید: «النهج: الطريق... والمنهج: الطريق أيضاً والجمع: المناهج» (Ibn Faris)؛ نهج و منهج هر دو به معنای راه راست است و جمع منهج، منهاج است. در اصطلاح یا گفته می‌شود: روش، مسیری است که برای تحصیل یک معرفت، طی می‌شود (Parsania, 2010). محمدباقر هوشیار می‌نویسد: «روش، راه و طریقه‌ای است که میان اصل و هدف، امتداد دارد و عمل تربیتی را منظم و موصل به هدف و منظور مری، می‌کند» (Hoshyar, 1956). بنابراین، روش به مجموعه راه‌ها و استفاده از ابزارها، قواعد و شیوه‌های خاص برای رسیدن به هدفی خاص گفته می‌شود.

۲-۳. تبشیر: تبشیر از مفاهیم قرآنی به معنای بشارت دادن است و بشارت از ماده‌ی «بشر» بوده که در لغت معانی مختلفی برای آن ذکر کرده‌اند؛ جمال و زیبایی (Farahidi)، خبر مسرت‌بخش (Raghib Isfahani, 2007) و برخی آن را با بشر و مباشر هم ماده دانسته و اصل واحدی

برای آن در نظر گرفته‌اند که به معنای مطلق انبساط و گشاده‌روئی است؛ به انسان نیز از این جهت بشر می‌گویند که گشاده‌روئی مخصوص به اوست (Mostafavi). زبیدی در تاج‌العروس اصل لغوی تبشیر را مختص به خبر مسرت‌بخش می‌داند که باعث دگرگونی و تغییر در قشر ظاهری پوست بدن می‌گردد و تبشیر و بشارت مطلق بوده و تنها شامل خبر خیر نبوده و شامل خبر بد و شر زمانی که مقید است همانند «بشرهم بعذاب الیم» می‌باشد (Hosseini Zobaydi, 1993). در اصطلاح، تبشیر یعنی مژده دادن و نوید به نعم و فیوضاتی که خداوند در دنیا و آخرت برای افراد با ایمان و شایسته و مطیع قرار داده است؛ در تعریفی دیگر، بشارت به معنای نوید دادن به سعادت و وضعیت دلپذیر و مطلوب آینده که در اثر اجرای قوانین الهی و اطاعت از آن پدید می‌آید و بشیر یعنی مژده دهنده به این وضعیت مطلوب (Salimi, 2014)؛ بر این اساس، «تبشیر» آگاهی دادن یا نوید دادن مردم نسبت به پاداش و پیامدهای خوشایند رفتار تعریف می‌شود.

**اقتصاد:** واژه اقتصاد از ماده «قصد» به معنای تصمیم‌گیری و اراده به انجام کاری بوده (Mostafavi) و در معانی مرتبط دیگری چون عدل و میانه‌روی، حد وسط میان اسراف و تقتیر، استقامت و پایداری در مسیر نیز به کار رفته است (Jawhari, 1990). خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب «العین» در بیان مفهوم «اقتصاد» گفته است: قصد به معنای استقامه‌الطریق، یعنی پایداری در راه است. میانه‌روی در زندگی اقتصادی آن است که نه اسراف کند و نه «تقصیر» و سخت‌گیری (Farahidi). اقتصاد در اصطلاح به عنوان دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به کار می‌رود (Aqa Nazari, 2012). همچنین گفته شده: اقتصاد، عبارت است از بررسی، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی که بشر برای استفاده از منابع به منظور تولید کالاها و خدمات و توزیع آن‌ها جهت مصرف به کار می‌گیرد (Elhami Nia, 2014).

#### روش تبشیر در امور اقتصادی

ویژگی دین اسلام آن است که در تمام زمینه‌های عبادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و... مقتضیات رشد و پیشرفت بشر را در نظر گرفته و موانع رشد و پیشرفت را بازگو کرده که یکی از بنیادی‌ترین عوامل رشد و پیشرفت انسان‌ها مسأله اقتصاد است. «نظام اقتصادی که امام رضا (علیه‌السلام) در گفتار و رفتار خود آن را ابراز می‌کند، ضمن این که برخورداری از نعمت و ثروت را با بیان ضرورت کار اقتصادی تشویق و تأیید می‌کند، در پی آن است تا با انفاق و دستگیری از نیازمندان، از انباشت ثروت که موجب فساد و ایجاد تبعیض در جامعه است، جلوگیری کند.» (Mousavi, 2017). در همین راستا امام رضا (علیه‌السلام) به منظور شکوفاسازی اقتصاد و برطرف کردن مشکلات اقتصادی، با استفاده از روش تبشیر، برخی موضوعات را مورد مذاقه قرار داده است. در ادامه این عناوین و بشارت‌های آن حضرت در این امور معرفی می‌گردد:

#### انفاق

از جمله تبشیرهای مطروحه در روایات امام رضا (علیه‌السلام) که در امور اقتصادی نمود داشته، موضوع انفاق و پاداش‌های انفاق‌کنندگان است. انفاق، بیرون کردن مال از ملک خویش و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه و یا از طریق بخشش کردن اموال خویش در راه جهاد، دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده است، می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۵) بررسی سیره امام رضا (علیه‌السلام) نشان می‌دهد که ایشان در خراسان، در روز عرفه، مجموع اموال خود را در راه خدا انفاق کرد. فضل بن سهل عرض کرد: این بخشش شما به صلاح نبود و زیان دارد. امام فرمود: زیان نیست، بلکه عین منفعت است. چیزی را که در راه خدا و به منظور پاداش اخروی داده می‌شود، زیان به شمار نیاید (Majlisi, 1983).

در ایامی که آن حضرت در خراسان بود، خبردار شدند که غلامان، فرزند ایشان را در مدینه از درب کوچک منزل بیرون می‌برند تا ایشان از مکانی خلوت رفت و آمد کنند. در نامه‌ای به فرزند عزیزشان امام جواد (علیه السلام) نوشت: فرزندم! شنیده‌ام که غلامان وقتی می‌خواهی از خانه بیرون روی تو را از درب کوچک خانه بیرون می‌برند و این از بخیلی آنهاست که نمی‌خواهند خیر تو به کسی برسد. به حقی که بر گردن تو دارم از تو می‌خواهم که جز از درب بزرگ وارد و خارج نشوی. و هرگاه می‌خواستی بیرون بروی حتماً درهم و دینار با خود همراه داشته باش و هر کس دست نیاز به سویت دراز کرد حاجتش برآورده کن. و هر یک از عموهایت اگر چیزی از تو خواست کمتر از پنجاه دینار به او مده و بیشتر از آن را خود دانی و از عمه‌هایت هر یک چیزی از تو خواست کمتر از بیست و پنج دینار به او مده و بیشتر از آن را خود دانی؛ من می‌خواهم که خداوند تو را مقرب خویش گرداند؛ پس انفاق کن و از خدای، بیم فقر و نیاز نداشته باش (Kulayni, 1987). تقرب به سوی خدا امری حقیقی و خداگونه شدن است که انفاقات مالی نقش مهمی در این مسیر دارد. «قرب» به معنای نزدیکی می‌باشد و اقسامی از جمله قرب زمانی، مکانی، نسبی، مقام و منزلت و مرتب رعایتی را شامل می‌شود (Ghorashi, 1992). در حدیث مذکور مراد از «تقرب به سوی خدا» قرب مقام و منزلتی می‌باشد که همان وصول الی الله است. «به این معنا که انسان به وسیله انفاق در راه خداوند، به خداوند نزدیک شده و ثواب و رضای الهی را طلب می‌کند.» (Ibn Jawzi, 2001). زمانی که انسان از اموال مادی خود دل بر می‌کند و با تقدیم آنها با ساحت ربوبی، زمینه خلوص جان و تصفیه درون از علائق دنیوی را فراهم می‌سازد، در نتیجه‌ی آن موجبات تقرب الی الله، را برای خود فراهم ساخته که پاداشی بس بزرگ است. حضرت رضا (علیه السلام) همچنین فرمودند: «بعد از ایمان به خدا و اعتراف به حقوق اولیاء خدا از آل محمد (صلی الله علیه و آله)، چیزی نخواهید داشت که نزد شما، محبوب‌تر باشد از کمک به برادران دینی خود در امور دنیا که وسیله رسیدن به بهشت خداست. کسی که چنین کند، از اولیاء خدا و از مقربین درگاه خدا خواهد بود.» (Majlisi, 1983). اگر انسان واقع‌نگر باشد، برای داشتن آخرتی که قطعی و ابدی است، باید دست به معامله و تجارت بزند. تجارتی پرسود که با هیچ معامله و سودی در این دنیا قابل مقایسه نیست. واقعیت برآمده از بیانات امام هشتم آن است که انفاق کنندگان مؤمن، قدم در میدان تجارت پر سودی نهاده‌اند که ابدی و همیشگی است و پاداش نهایی آن در بهشت و قرب الهی رقم خواهد خورد. پاداش انفاق بسیار زیادتر از دیگر اعمال حسنه است. انفاق، تجارتی پر سود است که گیرنده آن خداست و صدقه‌ای را که او پذیرد، پیوسته بر ارزش آن افزوده می‌شود. انفاق نوعی تجارت معنوی و دینی است که یک طرف آن فرد انفاق‌کننده و طرف دیگر آن مردم بهره‌مند و نیازمند و طرف آخر خداوند متعال است که برای این کار، پاداش و اجر اخروی فراوانی تعیین نموده است؛ چرا که فردی که در مسیر الهیات و معنویات قدم بردارد و نیتش خدمت به بندگان خدا و انسان‌های نیازمند و ریشه‌کنی فقر از کل جامعه باشد، باید هم چنین پاداش بزرگ و عظیمی از سوی خداوند داشته باشد. به همین جهت است که در بشارت‌های معصومین (علیهم السلام) از جمله امام رضا (علیه السلام) این عمل مورد تأکید قرار گرفته است.

### خمس

خمس در اصطلاح شرع مقدس اسلام، یک پنجم اموالی است که مسلمانان به دستور شرع مقدس باید بپردازند، خداوند متعال خمس را برای خاتم‌الأنبیاء حضرت محمد بن عبد الله (صلی الله علیه و آله) و ذریه آن حضرت عوض زکات قرار داده، و در حقیقت خمس بودجه‌ای است که به وسیله آن نیازهای مشروع سادات یتیم و فقیر و مسکین و ابن السبیل رفع می‌شود (Sharifi Ashkouri, 2010). خمس از موضوعات مهم فقه اسلامی و به طور خاص فقه امامیه است. محاسبه و پرداخت خمس از تکالیفی است که شیعیان در طول زندگی به آن عنایتی ویژه دارند. یکی از فلسفه‌های پرداخت خمس، برکت در رزق است. امام رضا (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: «إِنَّ الْخُمْسَ عَوْنًا عَلَى دِينِنَا وَعَلَى

عِبَالَتِنَا وَ عَلٰی مَوَالِنَا وَ مَا نَبْدُلُهُ وَ نَشْتَرِي مِنْ اَعْرَاضِنَا مِمَّنْ نَخَافُ سَطْوَتَهُ فَلَا تَزُووْهُ عَنَّا وَ لَا تَحْرِمُوا اَنْفُسَكُمْ دُعَاؤَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ، فَانْ اِخْرَاجُهُ مِفْتَاحُ رِزْقِكُمْ وَ تَمْحِصُ دُنُوْبِكُمْ وَ مَا تَمْهَدُوْنَ لِاَنْفُسِكُمْ لِيَوْمِ فَاقَتِكُمْ» (Kulayni, 1987)؛ در حقیقت، خمس، کمکی به ما برای اهداف دینی ما و خانواده‌ها و دوستان ما و وسیله حفظ آبروی ما در برابر آنانی است که از قدرتشان بیم داریم. پس خمس را از ما دریغ ندراید و حتی المقدور خویشتن را از دعای ما محروم نسازید؛ چرا که خارج کردن خمس از [سرمایه]، کلید روزی شما و مایه پاک شدن گناهانتان و اندوخته شما برای روز نیازتان در آخرت خواهد بود. در روایات اسلامی با اشاره به وجوب خمس برای همه پرداخت آن را باعث پاکی از گناهان و ترقی به سوی کمال و همچنین باعث جلب روزی بر شمرده است (Hur Ameli, 1988). برخی چنین تصور می‌کنند که پرداخت خمس، از مالشان کم می‌شود؛ بلکه از ظاهر مال کم می‌شود، اما هم از لحاظ ظاهری و هم از لحاظ معنوی، مالشان افزایش پیدا می‌کند. امام معصوم برکت در مال را به شخص خمس دهنده، ضمانت می‌دهد. نکته‌ای که حضرت در این مورد می‌فرمایند و بسیار حائز اهمیت است اینکه، می‌فرمایند: پرداخت کردن خمس از سوی شما، کلید رزقتان است؛ یعنی گویا قفلی از رزق که بر مالتان زده شده بود، با کلید پرداخت، آن را می‌توانید باز کنید. پس وسعت روزی و فراوانی ثروت فقط به وسیله تلاش و دانش و هنر به دست نمی‌آید، بلکه علل و اسباب دیگری نیز وجود دارند که باعث توسعه روزی و تکثیر ثروت می‌گردند. خمس از جمله این موارد است که بشارت آن توسط امام رضا (علیه‌السلام) به مسلمانان داده شده است. همچنین اگر انسان خمس را به وقتش بپردازد، می‌تواند گناهانش پاک شود. یعنی با پرداخت مالی، گناهانش از بین می‌رود. چنانچه در حدیث امام رضا (علیه‌السلام) در باب فواید پرداخت خمس، از سوی شیعیان، به این مطلب تصریح شده و فرمودند: «... فَانْ اِخْرَاجُهُ [الخمس] تَمْحِصُ دُنُوْبِكُمْ...» (همان)؛ چرا که خارج کردن خمس، مایه پاک شدن گناهانتان خواهد بود. «تَمْحِصُ» از «محص» در اصل به معنای تطهیر و خالص کردن شیء از هر عیب است (Raghib Isfahani, 2007)؛ یعنی با پرداخت خمس، که از امور مالی است، می‌توان گناهان را پاک کرد و از هر عیب و نقص و آلودگی پاک شد.

## زکات

تردیدی نیست که اسلام به صورت یک مکتب اخلاقی یا فلسفی یا اعتقادی محض ظهور نکرد؛ بلکه به‌عنوان آیینی جامع که تمام نیازمندی‌های مادی و معنوی در آن پیش‌بینی شده است، پا به عرصه ظهور گذاشت. از سوی دیگر، این مکتب از همان عصر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) با تأسیس حکومت همراه بود؛ در نتیجه، ایشان برای اداره آن، نیاز به پشتوانه مالی غنی و منظمی داشتند تا بتوانند در سایه تشکیل حکومت اسلامی، از بینوایان، بیماران، بی‌سرپرستان، معلولان و یتیمان جامعه، دست‌گیری کرده و این خلأ اقتصادی را پر کنند. خداوند متعال با نزول آیات زکات، دست‌یاری و رحمت بی‌پایانش را به کمک نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) فرستاد و با واجب‌ساختن زکات، این نقص و کاستی را برطرف کرد (Hosseini, 2012). در مقابل به افرادی که به این فریضه عمل نموده، بشارت‌هایی نیز داده شده است. نیک روشن است در هر جامعه‌ای، برخی آدمیان از بدی حادثه تهیدست شدند و در تنگنای مالی قرار گرفتند. این وظیفه توانمندان و ثروتمندان است که گره از کار فروبسته آنان بگشایند و به آن‌ها توان اقتصادی ببخشند، تا با خیالی آسوده، به زندگی خویش ادامه دهند. امام رضا (علیه‌السلام) یکی از فلسفه‌های تشریح «زکات» را استفاده آن در همین موارد می‌داند و در مقام تبیین حکمت وجوب زکات می‌فرماید: «خداوند مردمان تندرست را مکلف کرده است تا به کار مردم زمین‌گیر و گرفتار رسیدگی کنند. [همچنین]، پرداخت زکات موجب برکت مال و سبب رأفت و مهربانی به ناتوانان و توجه به مسکینان و انگیزش مردمان به مساوات و تقویت فقرا و یاری رساندن به آن‌ها در انجام دادن تکالیف دینی است (Ibn Babawayh, 1985).

با پرداختن زکات می‌توان اصلاح امور اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت تقویت بنیان‌های فرهنگی و علمی و دینی از قبیل مسجد، مدرسه و...، فقرزدایی، ایجاد حس تعاون و همکاری، تأمین نیازهای مسلمانان و... را شاهد بود. امام رضا (علیه السلام) فرمود: «لَوْ أَخْرَجَ النَّاسَ زَكَاتَ أَمْوَالِهِمْ مَا احتَاجُ أَحَدٌ» (Hur Ameli, 1988)؛ اگر مردم زکات مال خود را پرداخت کنند، هرگز (در جامعه مسلمانان) کسی فقیر و محتاج نخواهد بود. فقر و بینوایی از معضلات جهانی است که کشورهای جهان خصوصاً کشورهای جهان سوم از مظاهر و پیامدهای منفی آن در امان نیستند. برای رفع این معضل علاوه بر ضرورت برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، طرح‌های اشتغال و برنامه‌ریزی‌های دیگری آموزه‌های اسلام، با وضع مقرراتی بر اموال صاحبان ثروت، راهکاری در این خصوص اندیشیده است. صاحبان مال در حقیقت مالک بخشی از اموال خود نیستند. آنچه به عنوان زکات در احکام فقهی مطرح است، در این قالب قرار می‌گیرد. زکات بر این فلسفه روشن اسلامی مبتنی است که مالک واقعی ثروت خداست و این که مالکیت صرفاً به انسان‌ها سپرده شده است تا از آن ثروتی که به دست آورده‌اند، استفاده کنند. زکات به دلیل ماهیت ثابت و همیشگی خود به حکومت اجازه می‌دهد تا نوعی راهبرد دراز مدت را در مقابله با فقر بنا نهد. بنابراین وقتی زکات به درستی جمع‌آوری و در بین مستحقان واقعی آن توزیع شود، به کاهش و حذف فقر در آن جامعه منجر می‌شود. گواه این مطلب، سخن امام معصوم (علیه السلام) پیرامون این مسأله است.

#### قناعت

قناعت از دیگر موضوعات اقتصادی می‌باشد که امام رضا (علیه السلام) در رابطه با آن بشارت‌هایی داده است. واژه «قناعت» مفهومی اخلاقی است و از نظر لغت در منابع واژه‌شناسی، به معنایی چون بسنده کردن به مقدار نیاز، رضایت نفس به آن چه از روزی و معاش در اختیار دارد (Dehkoda, 1992). قناعت از نظر عالمان اخلاق، ضد صفت حرص و طمع‌ورزی، حالت و ملکه‌ای نفسانی است که وجود آن در آدمی، عامل اکتفا کردن و رضایت دادن فرد به قدر نیاز و ضرورت از زندگی است. روحیه قناعت سبب می‌شود انسان در استفاده از دارایی و امکانات به حد نیاز خویش بسنده کند و خود را برای تحصیل بیشتر مادیات به زحمت و مشقت نیندازد (Naraqi, 1999). قناعت در امور مالی و فعالیت‌های اقتصادی، از اهمیت خاصی برخوردار است و در روند کار و زندگی انسان تأثیر بسزایی دارد. قناعت، یکی از ویژگی‌های افراد با ایمان و از امتیازات انسان‌های بافضیلت است. افراد خودساخته و آراسته، دارای روحیه قناعت و عزت‌اند و در پرتو این روحیه عالی، هیچ‌گاه چشم طمع به مال و منال دیگران ندارند و شخصیت والای خویش را برای کسب مال و مقام حقیر نمی‌کنند. افراد قانع در زندگی، به مقدار ضرورت و کفاف بسنده کرده و به کمتر از آن نیز خشنودند. در روایتی از امام رضا (علیه السلام) آمده است: «مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ» (Majlisi, 1983)؛ هر کس به روزی کم از خدا راضی باشد، خداوند از عمل کم او راضی خواهد بود. و یا: «مَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَلَالِ، خَفَّتْ مَوْزِنَتُهُ وَ تَنَعَّمَ أَهْلُهُ وَ بَصَرَهُ اللَّهُ دَاءَ الدُّنْيَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ» (Atarudi Quchani, 1992)؛ کسی که به مال حلال اندک، راضی باشد، مخارجش سبک می‌شود، خانواده‌اش برخوردار می‌گردند، خداوند او را به درد و درمان دنیا بینا می‌کند و او را سالم و بی‌گناه از دنیا به دارالسلام بهشت بیرون می‌برد.

آنان که حریص‌اند، هرگز سیر نمی‌شوند و همیشه چشمشان دنبال مال و غذای بیشتر است. اما رضایت به اندک، انسان را از نظر روحی غنی می‌سازد. مال اندک اما از حلال، بسیار پسندیده‌تر و گواراتر از ثروت سرشار و زندگی تجملاتی است که از راه حرام و خلاف به دست آمده باشد؛ چرا که در مال حرام، برکت نیست و مؤاخذه روز قیامت و «از کجا آوردی؟» هم در پیش است. در این حدیث، حضرت رضا (علیه السلام) به چند فایده از قناعت به درآمدهای حلال بشارت می‌دهد: سبک بودن هزینه‌ها و مخارج، برخورداری خانواده از مال حلال، بصیرت یافتن

نسبت به دنیا و درد و درمان آن، سالم و با ایمان از دنیا خارج شدن و وارد مرحله آخرت گشتن (Mohaddesi, 2012). طبعاً صحبت از قبح اسراف و ضرورت پرهیز از آن، در تعالیم اسلامی و سیره امام رضا (علیه‌السلام)، در راستای تأیید قناعت و ساده‌زیستی است. به عبارت دیگر، قناعت پیامد طبیعی پرهیز از اسراف و تجمل است و اگر حکم به اجتناب از اسراف شده، در واقع حکم به ساده‌زیستی و قناعت نیز شده است. حضرت امام رضا (علیه‌السلام) در راستای ترویج اخلاق ساده‌زیستی و همنوا با همه پیشوایان دینی، ضمن توصیه به قناعت، خود نیز عامل به آن بودند. به فرموده آن حضرت، «قناعت باعث خویشتن‌داری، ارجمندی و آسوده شدن از زحمت فزون‌خواهی و بندگی در برابر دنیاپرستان است» (Ibn Babawayh, 1986). طبق بیان حضرت، رضایت به روزی اندک خدا نه تنها موجب رضایت خدا از عمل اندک بنده است، بلکه باعث سبک‌باری و رضایت خانواده نیز هست. طبق فرمایش ایشان «هر که از روزی حلال اندک خشنود باشد، بارش سبک و خانواده‌اش در نعمت باشد» (Ibn Shuba Harrani, 1984).

بدیهی است ارزش آدمی به عزت و کرامت اوست و به میزان و درجه‌ای که واجد این خصیصه است، به همان میزان می‌توان او را آن‌گونه که باید باشد و خدایش خواسته، انسان نامید؛ چون سرشت آدمی کرامت‌مند است. قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر/۱۰)؛ کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد؛ چرا که) تمام عزت برای خداست؛ سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد. امام رضا (علیه‌السلام) نیز می‌فرماید: «الْفَنَاءَةُ تَجْتَمِعُ اِلَى صِبَاغَةِ النَّفْسِ وَ عِزُّ الْقَدْرِ» (Majlisi, 1983)؛ قناعت، همنشین کرامت و سربلندی است. معنای کرامت این است که انسان از نعمت بزرگی که پروردگارش به او ارزانی کرده است، نهایت استفاده را بنماید و در پی مطلوب خویش باشد تا آجا که به‌طور پیوسته مشغول احوال خویش شود و از این موهبت استفاده کند و خود را با دیگران مقایسه ننماید (Makarem Shirazi, 1998). عزت و نفوذناپذیری، اثر ارزشمند قناعت است. فردی که به داشته‌های خود قانع نیست، همیشه به دنبال رفع کمبودهای مادی خود است. اگر این احتیاجات و کمبودها، بی‌انتها و تأمین آن‌ها مستلزم درخواست از دیگران باشد، در نتیجه شخص مدام باید نزد دیگران ابراز نیاز کند که موجب از بین رفتن عزت نفس و نفوذناپذیری است. از این رو در روایت امام (علیه‌السلام)، قناعت موجب عزت دانسته شده است.

### قرض الحسنه

بی‌تردید اقتصاد در پیشرفت و شکوفایی جامعه انسانی نقش مؤثر و حیاتی دارد. پیشرفت اقتصادی مطلوب نیازمند یک نظام اقتصادی سالم است. نظام اقتصادی اسلام سالم‌ترین نظام‌های اقتصادی دنیاست. داد و ستد تعاونی، با روحیه‌ای ایثار و همکاری به نام «قرض الحسنه» یکی از زیر مجموعه‌های نظام اقتصادی اسلام است. در یک اقتصاد سالم و جامعه متعالی می‌بایست امکاناتی فراهم شود تا نیازهای مالی افراد به شیوه‌ای صحیح برآورده شود. یکی از راهکارهای موجود در جهت تأمین مالی، رفع فقر و نابرابری و توزیع عادلانه ثروت در جامعه، توجه به موضوع قرض الحسنه است. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم در نظام مالی اسلامی، قرض الحسنه در کنار صدقات، عقود مبادله‌ای و مشارکتی به عنوان یکی از جایگزین‌های ربا در تجهیز و تخصیص منابع معرفی شده است. در حالی که صدقات به نیازمندان حاد به وجوه، عقود به متقاضیان وجوه برای کسب سود اختصاص دارد، قرض الحسنه پاسخ‌گوی نیاز افرادی است که نه آنقدر نیازمندند که مستحق وجوه انتقالی باشند و نه آنقدر توانایی دارند که بتوانند با کسب سود، دیگران را نیز در سود خود شریک کنند. از نگاه دین مقدس اسلام، فرهنگ قرض الحسنه شاید بسیار مهم‌تر از انفاق در راه خداست. می‌توان یکی از عمده دلایل‌های آن را در این زمینه خلاصه نمود که انفاق در راه خدا چون مال خود را از جان خود باید جدا کند و حتی شاید در آن اکراه قلبی دارد ولی در قرض دادن بدین امید می‌دهد که



امید بازگشت سرمایه‌اش را دارد، مضاف بر اینکه شاید کسی که ادعای فقر می‌کند کذاب و دروغگو باشد. برای شاهد مدعا می‌توان به روایت‌های زیر اشاره نمود: امام رضا (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «أَنَّ أَجْرَ الْقَرْضِ ثَمَانِيَةَ عَشْرٍ ضِعْفًا مِنْ أَجْرِ الصَّدَقَةِ» (Ibn Babawayh, 1978)؛ همانا پاداش قرض‌الحسنه دادن هیجده برابر از اجر انفاق در راه خداست. از آن جایی که قرض، مسأله‌ای فقهی است، دارای احکام و آداب شرعی است که در کتاب‌های فقهی، گفته شده است. یکی از احکام قرض، مسأله مدت‌دار بودن یا نبودن آن است که در تحریرالوسیله امام، این‌گونه نوشته شده است: قرض یا بدون زمان است، پس قرض‌دهنده می‌تواند (هر وقت خواست) مطالبه پول خودش را بکند و بر قرض‌گیرنده واجب است پرداخت این بدهی، اگر تمکن مالی دارد و دستش پُر است، در هر زمان که داشت، باید بدهد. و یا قرض زمان‌دار است، پس قرض‌دهنده حق مطالبه مال خود را، قبل از سررسید وقت آن ندارد (Mousavi Khomeini, 2000). امام رضا (علیه السلام) هم ضمن اشاره به همین احکام شرعی، درباره پاداش معنوی قرض‌دهنده این‌گونه بشارت می‌دهد: «مَنْ أَقْرَضَ قَرْضًا وَ ضَرِبَ لَهُ أَجَلًا فَلَمْ يَرِدْ عَلَيْهِ عِنْدَ انْقِضَاءِ الْأَجَلِ، كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِثْلُ صَدَقَةِ دِينَارٍ» (Majlisi, 1983)؛ کسی که به فردی قرض دهد و برایش، مدت تعیین کند، بدهکار پس از گذشت زمان و به سر رسیدن مدت، قرض را ادا نکند، برای قرض‌دهنده برای هر روز، پاداشی مانند یک دینار، صدقه خواهد بود. از این فرمایش امام (علیه السلام) چنین بر می‌آید قرض که در آن مدت تعیین می‌شود هیچ اشکالی ندارد و بعد از اتمام مدت، قضیه مهم‌تر می‌شود؛ لذا برای مدارا و مهلت دادن بدهکار بعد اتمام مدت، ثواب ویژه‌ای به صورت روز شمار عنایت خواهد شد و آن اجر و پاداش صدقه دادن یک دینار در راه خدا خواهد بود و چنین پاداشی به صورت روز شمار از اهمیت آن حکایت دارد.

قرآن نیز پیرامون قرض‌الحسنه تعبیری شگفت‌انگیز دارد که در مورد مطلب دیگری در قرآن دیده نمی‌شود: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره/۲۴۵)؛ کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می‌آورد و به سوی او بازگردانده می‌شوید. با این که مالک حقیقی تمام هستی خداوند است با این حال از بنده ی خود طلب قرض و وام می‌کند، آن هم قرض با سود بسیار زیاد (اضعافاً کثیره) و این از سویی نهایت لطف خداوند نسبت به بندگان را می‌رساند و از سویی دیگر اهمیت مسأله قرض‌الحسنه را بیان می‌دارد. «این آیه با لحنی بسیار زیبا و احساس برانگیزی مردم را به کمک کردن به یکدیگر دعوت می‌کند و به آنان تذکر می‌دهد که وقتی کسی از مال خود انفاق می‌کند و مال خود را در اختیار نیازمندان می‌گذارد، به منزله این است که به خدا قرض داده باشد. روشن است که خدا نیازی به قرض ندارد و او بی‌نیاز مطلق است ولی با این تعبیر بندگان خود را به کمک کردن به یکدیگر تشویق می‌کند و می‌خواهد آن‌ها بدانند که این کار نیک آن‌ها بدون پاداش نیست و همانگونه که وقتی کسی به کسی قرض بدهد، بدهکار در موقع خود، بدهی را خواهد پرداخت در اینجا نیز خداوند خود را بدهکار چنین افرادی می‌کند آن هم به این صورت که موقع پرداخت بدهی، آن را چندین برابر خواهد داد و کسی که به دیگران احسان می‌کند پاداش عمل خود را چند مقابل آن خواهد یافت.» (جعفری، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۵) بنابراین آنان که در راه خدا پول خرج می‌کنند و یا اعمال دیگری انجام می‌دهند، آثاری که در دنیا و آخرت بر آن‌ها مترتب است هزاران بار بیش از اعمال است.

نقش قرض‌الحسنه در زندگی انسان‌های سالم و مؤمن بسیار سازنده و مفید است؛ چرا که با تقویت وضعیت اقتصادی و بهبودی آن، عامل قوام فرد و جامعه می‌شود (نساء/ ۵) و شخص را به کار و تلاش و تولید سوق می‌دهد. از این رو در روایت رضوی، ثواب قرض دادن بیش از صدقه دادن و انفاق دانسته شده است؛ چرا که گاه انسان صدقه به کسی می‌دهد که او نیازی ندارد؛ هم چنین قرض‌گیرنده با توجه به تعهدی

که می‌سپارد بر آن است تا با تولید و تلاش خود، وام خود را پس دهد و این عمل قرض در گردش سالم اقتصاد و جریان مفید و سازنده پول و مال تأثیرگذار است. با توجه به این مطلب، می‌توان یکی از تبشیرهای امام هشتم (علیه‌السلام) را در رابطه با قرض‌الحسنه بر شمرده.

### کسب روزی

کسب روزی به ویژه روزی حلال یکی از فضائلی است که دین اسلام تأکید بسیاری بر آن داشته و در آیات قرآن و روایات همواره انسان‌ها را بر کسب روزی حلال و طیب و پاک تشویق کرده و پاداش و آثار فراوانی بر آن مترتب داشته است. امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (Majlisi, 1983)؛ کسی که به دنبال روزی و فضل خداوند باشد تا هزینه خانواده خود را تأمین کند، پاداشش بیشتر از کسی است که در راه خدا جهاد کند.

از نگاه امام رضا (علیه‌السلام) انسان متعهد برای به دست آوردن روزی حلال و برطرف کردن نیازهای مادی و گذران امور زندگی خود باید تلاش کند. از همین رو آن حضرت (علیه‌السلام) در یک درس بزرگ به مخاطب می‌آموزد کسی که به امید روزی و فضل پروردگار در پی روزی حلال می‌رود تا رفاه خانواده خود را تأمین کرده و از دیگران بی‌نیاز باشد، پاداشش نزد خداوند بیش از کسی است که در راه خدا جهاد و مبارزه کند. در نگاه امام رضا (علیه‌السلام)؛ با تمسک به رزق و روزی حلال اهل و خاندان در نعمت به سر خواهند برد و هزینه‌های زندگی کم خواهد شد و خداوند متعال بصیرتی به انسان عطا می‌کند که در زندگی هم درد را می‌بیند و هم درمان را و کسی که از مال حلال ارتزاق کند از این دنیا سالم به بهشت رهنمون خواهد شد: «مَنْ رَضِيَ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ قَبْلَ مَنَّهُ الْيَسِيرُ مِنَ الْعَمَلِ وَمَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَلَالِ خَفَّتْ مَوْنَتُهُ وَ نَعِمَ أَهْلُهُ وَ بَصَّرَهُ اللَّهُ دَاءَ الدُّنْيَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ» (Kulayni, 1987)؛ تلاش برای به دست آوردن روزی حلال از آن جهت مورد تأکید و عنایت ویژه قرار گرفته است که نقش بسزایی در جسم و روح انسان دارد و بی‌توجهی به آن، افزون بر عواقب اخروی، پیامدهای منفی و مخربی را برای روحيات و خلیقات انسان به وجود می‌آورد. هرچند روزی حلال در سخن به آسانی گفته می‌شود و بیشتر انسان‌ها بر این گمان‌اند که روزی آن‌ها حلال و طیب است، اما کسب واقعی روزی حلال در مقام عمل، بسیار سخت است. پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) با گفتار، عمل و تشویق، همواره پیروان خود را به تلاش برای روزی حلال سوق داده و «حلال» بودن را ویژگی لازم و دائمی درآمدها دانسته‌اند. از این نکته استفاده می‌شود که هر قدر دامنه «درآمدهای حلال» گسترش یابد، شناسایی شود و مورد استفاده سطوح مختلف جامعه با توانایی‌ها، سلیقه‌ها، تخصص‌ها و امکانات بومی مختلف قرار گیرد، به طور طبیعی، نظام مالی و اقتصادی سالمی بر جامعه جاری و ساری می‌گردد و راه‌های نامشروع کسب درآمد از بین رفته و یا به حداقل می‌رسد و جامعه به سوی سعادت و تعالی گام برمی‌دارد و نه تنها در دنیا بلکه همان گونه که امام رضا (علیه‌السلام) بشارت داده، بهشت جایگاه اخروی انسان خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

بررسی سیره امام هشتم نشان می‌دهد که در شیوه‌ی تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) از تبشیر برای هدایت متریبان استفاده شده است. از آن رو که امام (علیه‌السلام) خود انسانی وارسته و کمال یافته است و اعمال نیک را نه به خاطر شوق به ثواب موعود، بلکه برای رضای خدای متعال انجام داده، اما استفاده از این عبارت‌ها به جهت ایجاد انگیزه در متریبی برای انجام رفتارهای شایسته بوده است. از منظر ایشان تبشیر به معنای بشارت دادن و به منظور تشویق و ترغیب متریبان نسبت به اعمال و تکالیف محول شده بر انسان در تربیت کاربرد دارد. بررسی روش تربیتی تبشیر در سیره رضوی نشان می‌دهد که آن حضرت در امور اقتصادی تلاش بر تربیت افراد داشته و نسبت به پاره‌ای از موضوعات اقتصادی بشارت‌های لازم را اعلام داشته‌اند. آن حضرت در قبال انفاق نمودن، تقرب به خداوند و پاداش اخروی را بشارت داده‌اند. همچنین خمس به

عنوان کلید روزی و مایه پاک شدن گناهان معرفی شده است. نیز آن حضرت بشارت داده‌اند که در صورتی که در یک جامعه زکات پرداخت شود، فقر از آن جامعه برچیده خواهد شد. همچنین آن امام، قناعت ورزیدن را زمینه‌ساز دستیابی به نعمات الهی و راهیابی به بهشت بشارت داده‌اند. بشارت دیگر آن حضرت در رابطه با قرض‌الحسنه بوده که دهنده آن برخوردار از اجر و ثواب الهی می‌باشد. همچنین کسب روزی حلال برای خانواده مورد تأکید امام و مجری آن بشارت به پاداشی فراتر از مجاهد در راه خدا داده شده است. توجه به چنین بشارت‌هایی موجب می‌گردد تا افراد جامعه به شوق رسیدن به این پاداش‌ها و مقامات تلاش نمایند تا این موارد را در امور اقتصادی اجرا نمایند. در نتیجه عملکرد اقتصادی جامعه مبنایی دینی پیدا نموده و بحران‌ها و چالش‌های اقتصادی برطرف گشته و جامعه به یک وضعیت مطلوب اقتصادی دست یابد.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

In Islamic teachings, the use of effective pedagogical methods is integral to human development. One such method, the evangelical method (Tabshir), emphasizes providing glad tidings to inspire individuals toward ethical and moral behavior. Imam Reza (Peace Be Upon Him) employed this method extensively, especially in economic matters, as a means of fostering both individual and societal well-being. In light of the contemporary challenges of economic crises, Imam Reza's teachings provide practical solutions rooted in ethical behavior and community-oriented practices. This study uses a descriptive-analytical approach to examine how Imam Reza utilized the evangelical method in economic activities, focusing on key areas such as almsgiving, frugality, and halal earnings. The research findings suggest that his guidance remains a valuable framework for addressing modern economic challenges and promoting sustainability.

The evangelical method (Tabshir) derives from Islamic theological principles and emphasizes the positive reinforcement of virtuous behavior. It is rooted in the Quranic ethos of guiding individuals through encouragement and hope. Imam Reza's use of Tabshir is evident in his efforts to motivate followers toward ethical economic practices, such as giving alms and fulfilling obligations like khums and zakat. His teachings align with the Quran's emphasis on fostering collective responsibility and addressing societal needs. Imam Reza's sermons illustrate that Tabshir targets those on a righteous path, encouraging perseverance and patience in both spiritual and worldly pursuits (Majlisi, 1983). Through this method, he sought to create a community driven by ethical conduct and mutual care. Imam Reza emphasized the importance of redistributing wealth ethically to address societal disparities. Almsgiving (infaq), one of the central themes of his teachings, was portrayed as a means of fostering communal harmony and spiritual growth. For instance, he was known for his generosity, distributing significant portions of his wealth during occasions such as *Eid al-Adha*. He regarded

these acts not as losses but as investments in social stability and spiritual rewards (Majlisi, 1983). Similarly, he advocated for the payment of khums—a financial obligation that sustains religious and social structures while addressing poverty. Imam Reza described zakat as a tool to eradicate poverty, emphasizing that its correct application would ensure economic equality and prevent societal discord (Hur Ameli, 1988). These practices illustrate his holistic approach to creating a balanced and inclusive economic system.

Frugality, or qana'at, was a recurring theme in Imam Reza's economic teachings. He viewed frugality not merely as a personal virtue but as a societal necessity to maintain economic stability. According to his guidance, individuals who practice frugality reduce their financial burdens and contribute to the broader economic health of their communities (Majlisi, 1983). Imam Reza often linked frugality with spiritual rewards, suggesting that contentment with modest provisions would attract divine favor. His emphasis on living within one's means extended to his criticism of extravagance, which he regarded as a destructive force undermining economic harmony. His teachings resonate with modern principles of sustainable consumption, highlighting the enduring relevance of ethical economic behavior.

The concept of benevolent loans (qard al-hasana) featured prominently in Imam Reza's economic guidance. He stressed the spiritual benefits of providing interest-free loans, describing their rewards as surpassing those of charitable donations (Ibn Babawayh, 1978). This aligns with Quranic principles encouraging mutual assistance through loans as a means of achieving economic justice. Additionally, Imam Reza placed significant emphasis on earning a halal livelihood. He equated the pursuit of lawful earnings to acts of jihad in their spiritual merit, illustrating the importance of ethical labor in personal and societal development (Majlisi, 1983). His teachings on halal earnings emphasized the need for self-sufficiency, family support, and communal contributions. Together, these practices offer a comprehensive blueprint for an ethical and sustainable economic framework.

Imam Reza's evangelical method provides an integrated approach to addressing economic challenges, combining ethical, spiritual, and practical dimensions. By promoting principles such as almsgiving, frugality, benevolent loans, and lawful earnings, his teachings offer timeless solutions for achieving economic balance and social harmony. These values are especially relevant today, as societies face global economic crises and increasing inequality. Applying Imam Reza's principles could foster systems that balance individual responsibility with collective welfare, addressing both material and moral dimensions of economic life. Future studies could explore the practical application of these teachings in contemporary Islamic finance and global economic policies, offering new avenues for sustainable development.

## References

- Aqa Nazari, H. (2012). *Scientific Theorization of Islamic Economics*. SAMT Publications.
- Atarudi Quchani, A. (1992). *Musnad Imam al-Reza (AS)*. Dar al-Safwa.
- Dehkhoda, A. A. (1992). *Dehkhoda Dictionary*. University Press Institute.
- Elhami Nia, A. A. (2014). *Economic Ethics*. Representative Office of the Supreme Leader in the IRGC, Ideological-Political Training Department.
- Farahidi, K. b. A. *Al-Ain*. Hijrat.
- Ghorashi, A. A. (1992). *Qamus al-Quran*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Hoshyar, M. B. (1956). *Principles of Education*. University of Tehran.
- Hosseini, S. M. (2012). *Payment of Khums: Why and How*. Quds Razavi Publications.
- Hosseini Zobaydi, M. M. (1993). *Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus*. Dar al-Fikr.
- Hur Ameli, M. b. H. b. A. b. M. b. H. (1988). *Wasa'il al-Shia*. Al al-Bayt Institute for Revival of Heritage.
- Ibn Babawayh, M. b. A. (1978). *Uyoon Akhbar al-Reza*. Alimiya Islamiyya.
- Ibn Babawayh, M. b. A. (1985). *Man La Yahduruh al-Faqih*. Dar al-Adhwaa.
- Ibn Babawayh, M. b. A. (1986). *Fiqh al-Reza*. The World Conference of Imam Reza (AS).

- Ibn Faris, A. *Maqayis al-Lughah*. Maktab al-I'lam al-Islami.
- Ibn Jawzi, A. a.-R. b. A. (2001). *Zad al-Masir fi 'Ilm al-Tafsir*. Dar al-Kitab al-Arabi.
- Ibn Shuba Harrani, H. b. A. (1984). *Tuhaf al-Uqul*. Society of Teachers.
- Jawhari, I. b. H. (1990). *Al-Sihah*. Dar al-Ilm.
- Kulayni, M. b. Y. (1987). *Al-Kafi*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Majlisi, M. B. b. M. T. (1983). *Bihar al-Anwar al-Jami'a li Durar Akhbar al-A'imma al-Athar*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Makarem Shirazi, N. (1998). *Morality in the Quran*. School of Imam Ali bin Abi Talib (AS).
- Mohaddesi, J. (2012). *Razavi Wisdoms (Translation and Explanation of Forty Hadiths from Imam Reza AS)*. Behnashr.
- Mostafavi, H. *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim*. Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Mousavi Khomeini, S. R. (2000). *Tahrir al-Wasila*. Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mousavi, S. J. (2017). Examining Economics in the Mirror of the Conduct and Words of Imam Reza (AS). *Islamic Economics and Banking Quarterly*(22).
- Naraq, M. A. (1999). *Mi'raj al-Sa'ada*. Hijrat Publications.
- Parsania, H. (2010). *Critical Methodology of Sadraian Philosophy*. Ketab Farda.
- Raghib Isfahani, A. a.-Q. H. b. M. (2007). *Mufradat Alfaz al-Quran*. Dar al-Ma'rifa.
- Salimi, A. a.-H. (2014). *Lesson Book on Human Rights from an Islamic Perspective*. International Center for Translation and Publication of Al-Mustafa (PBUH).
- Sharifi Ashkouri, E. (2010). *Selected Fiqh Texts*. House of Ayatollah Elias Sharifi Ashkouri.